



Analysis of Barriers Facing Rural Women's Entrepreneurship in Kermanshah Province: An Application of the Grounded Theory

Faranak Karamian^{✉1} | Sayed Hossein Saghaian²

1. Department of Agriculture Extension and Education, Agricultural College, Razi University, Kermanshah, Iran. (Corresponding Author). E-mail: karamiyan.faranak@razi.ac.ir

3. Department of Agricultural Economics, Faculty of Agricultural Economics, University of Kentucky, Lexington of Kentucky, USA. E-mail: ssaghaian@uky.edu

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 28 Jun 2023

Received in revised form: 26 Jul 2023

Accepted: 26 Jul 2023

Available online: 26 Jul 2023

Keywords:

Rural Development;
Entrepreneurship
Development;
Women Entrepreneurs;
Sustainable Job Creation;
Entrepreneurial Barriers.

The purpose of this research is to use the qualitative paradigm and Strauss Grounded Theory (SGT) method to examine and analyze the barriers facing rural women entrepreneurs in Kermanshah province. To this end, 18 rural women entrepreneurs in Kermanshah province were selected using purposeful and theoretical sampling methods; the sampling continued to reach the data saturation. The techniques used for data collection were in-depth individual interviews and note-taking. According to the findings, causal conditions (lack of sufficient financial capital and savings, inability of risk-taking due to lack of financial resources, lack of access to primary resources, etc.), context conditions (inappropriate educational, managerial, social and communication-information structures), intervening conditions (political-legal barriers and supportive barriers), strategies used by the studied population (self-esteem decrease, abandoning the business, etc.), and consequences (lack of entrepreneurial atmosphere in the village, dependence on the household head) were the results of the following study. Moreover, the results showed that the rural women are facing different barriers in entrepreneurial undertakings and this has decreased their amount of entrepreneurial behaviors and undertakings and ultimately increased their dependency level on the household head in Kermanshah Province. Based on the results, offering proper facilities, holding educational classes, informing rural women's individual and social rights, and introducing supportive organizations to them are recommended.

Education and Management of Entrepreneurship, 2023, Vol. 2, No. 2, pp 43-58

Cite this article: Karamian, F., & Saghaian, S. H. (2023). Analysis of Barriers Facing Rural Women's Entrepreneurship in Kermanshah Province: An Application of the Grounded Theory. *Education and Management of Entrepreneurship*, 2 (2), 43-58. doi: 10.22126/eme.2023.9304.1036 (in Persian).



© The Author(s).

DOI: <https://doi.org/10.22126/eme.2023.9304.1036>

Publisher: Razi University



تحلیل موانع فراروی کارآفرینی زنان روستایی استان کرمانشاه؛ کاربرد نظریه بنیانی

فرانک کرمان ^۱ | سید حسین سقائیان ^۲

۱. گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

(نویسنده مسئول). رایانامه: karamian.faranak@razi.ac.ir

۲. گروه اقتصاد کشاورزی، دانشکده اقتصاد کشاورزی، دانشگاه کنتاکی، لگسینگتون کنتاکی، آمریکا.

رایانامه: ssaghaian@uky.edu

اطلاعات مقاله | چکیده

نوع مقاله:

مقاله علمی - پژوهشی

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۵/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۴

دسترسی آنلاین: ۱۴۰۲/۰۵/۰۴

کلیدواژه‌ها:

توسعه روستایی،

توسعه کارآفرینی،

زنان کارآفرین،

اشتغال‌زایی پایدار،

موانع کارآفرینی.

هدف از انجام پژوهش حاضر، تحلیل موانع فراروی کارآفرینی زنان روستایی در استان کرمانشاه می‌باشد که با استفاده از رویکرد کیفی و با روش نظریه بنیانی انجام پذیرفت. به این منظور، ۱۸ نفر از زنان کارآفرین روستایی در استان کرمانشاه با استفاده از روش‌های نمونه‌گیری هدفمند و نظری، انتخاب شدند و نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع داده‌ها ادامه یافت. تکنیک مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها شامل مصاحبه عمیق انفرادی و یادداشت‌برداری میدانی بود. بر اساس یافته‌ها، شرایط علی شامل (نداشتن سرمایه و پس‌انداز کافی، نداشتن توانایی ریسک‌پذیری به‌واسطه عدم پشتوانه مالی، دسترسی نداشتن به منابع اولیه و...)، شرایط زمینه‌ای شامل (سازه‌های نامناسب آموزشی، مدیریتی، اجتماعی و ارتباطی - اطلاعاتی)، شرایط مداخله‌گر شامل (موانع سیاسی - قانونی و موانع حمایتی)، راهبردهای به‌کار گرفته شده به‌وسیله جامعه مورد مطالعه شامل (پایین آمدن اعتماد به‌نفس، رها کردن کسب و کار در نیمه راه و...) و پیامدها شامل (عدم ایجاد جو کارآفرینانه در روستا، وابستگی به سرپرست خانوار) از نتایج این پژوهش بودند. همچنین نتایج نشان داد که زنان روستایی برای اقدامات کارآفرینانه با موانع مختلفی روبه‌رو هستند که سبب کاهش میزان رفتارها و اقدامات کارآفرینانه و در نهایت افزایش میزان وابستگی آنان به سرپرستان خانوار روستایی در استان کرمانشاه شده است. بر اساس نتایج، ارائه تسهیلات مناسب، برگزاری کلاس‌های آموزشی، آگاهی بخشی به زنان روستایی نسبت حقوق فردی و اجتماعی خود و معرفی سازمان‌های حمایت‌کننده از آنان پیشنهاد می‌گردد.

آموزش و مدیریت کارآفرینی، دوره ۲، شماره ۲، سال ۱۴۰۲، صفحات ۴۳-۵۸

استناد: کرمان، فرانک؛ سقائیان، سید حسین (۱۴۰۲). تحلیل موانع فراروی کارآفرینی زنان روستایی استان کرمانشاه؛ کاربرد نظریه بنیانی.

آموزش و مدیریت کارآفرینی، ۲ (۲)، ۴۳-۵۸. doi: 10.22126/eme.2023.9304.1036



© نویسندگان

DOI: <https://doi.org/10.22126/eme.2023.9304.1036>

ناشر: دانشگاه رازی

مقدمه

یکی از عوامل مهم و شتاب‌دهنده توسعه روستایی^۱، کارآفرینی^۲ است (ژانگ و همکاران^۳، ۲۰۲۳؛ آکینبامی و همکاران^۴، ۲۰۱۹؛ چاکراواریتی^۵، ۲۰۱۳؛ دریگا و همکاران^۶، ۲۰۰۹؛ لایریان‌دیس^۷، ۲۰۰۶). امروزه اهمیت کارآفرینی در توسعه روستایی در کشورهای پیشرفته به خوبی شناخته شده است و یک ابزار کلیدی برای تحریک رشد متنوع و درون‌زا در سیاست توسعه روستایی است (ایسنگلوا و همکاران^۸، ۲۰۲۳؛ مک و مارکلی^۹، ۲۰۰۶؛ هندرسون^{۱۰}، ۲۰۰۲)؛ اما آنچه در این میان، در مناطق روستایی کمتر مورد توجه قرار گرفته، زنان کارآفرین روستایی^{۱۱} هستند (شاهمرادی و همکاران، ۱۴۰۱؛ موحدی و یعقوبی فرانی^{۱۲}، ۲۰۱۲).

با وجود اینکه زنان قشر آسیب‌پذیر و از حاشیه‌ای‌ترین گروه‌های اجتماعی، به‌ویژه در نواحی روستایی کشورهای در حال توسعه می‌باشند (واگل و همکاران^{۱۳}، ۲۰۲۳؛ سلطانا و همکاران^{۱۴}، ۲۰۱۰)، اما شواهدی از ایران (سقائیان و همکاران^{۱۵}، ۲۰۲۲؛ حسینی و مکللی^{۱۶}، ۲۰۱۱)، هندوستان (راستوگی و همکاران^{۱۷}، ۲۰۲۲)، اوگاندا (لورنسو و همکاران^{۱۸}، ۲۰۱۴)، آسیا (فرانزکی و همکاران^{۱۹}، ۲۰۲۲؛ متیو^{۲۰}، ۲۰۱۰) و دیگر مطالعات در سایر نقاط جهان به خصوص در یک دهه اخیر (موزامدار و همکاران^{۲۱}، ۲۰۲۲؛ دی‌روزا و مکللی^{۲۲}، ۲۰۱۵؛ تازی و مارتینز^{۲۳}، ۲۰۱۴؛ فرانک^{۲۴}، ۲۰۱۲؛ آکوادو و همکاران^{۲۵}، ۲۰۰۹) نشان می‌دهند که کارآفرینی زنان می‌تواند یک عامل ضروری برای رشد و توسعه اقتصادی، به‌خصوص در مناطق روستایی باشد؛ اما با این وجود، متأسفانه آن‌ها اغلب در برنامه‌ریزی‌های توسعه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله ایران نادیده گرفته می‌شوند (زمانی‌مقدم و افشانی، ۱۴۰۰)؛ به‌طوری‌که بسیاری بر این باورند که زنان روستایی برای یک مدت زمان طولانی نقش «نامرئی»^{۲۶} را در توسعه اقتصاد روستایی در کشورهای در حال توسعه (کروز و همکاران^{۲۷}، ۲۰۲۲؛ آکوادو و همکاران، ۲۰۰۹) ایفا کرده‌اند.

1. Rural development
2. Entrepreneurship
3. Zhang et al.
4. Akinbami et al.
5. Chacravarty
6. Driga et al.
7. Labrianidis
8. Esengulova et al.
9. Mac & Markley
10. Henderson
11. Rural entrepreneur women
12. Movahedi & Yaghoubi-Farani
13. Vogel et al.
14. Sultana et al.
15. Sadrnabavi & Daneshvar
16. Hosseini & McElwee
17. Rastogi et al.
18. Lourenço et al.
19. Franzke et al.
20. Mathew
21. Mozumdar et al.
22. De Rosa & McElwee
23. Torri & Martinez
24. Franck
25. Iakovidou et al.
26. Invisible
27. Cruz et al.

در چند دهه گذشته، کارآفرینی زنان در بیشتر نقاط جهان به خصوص در نواحی روستایی بیش از پیش مورد توجه و به مراتب توسعه و گسترش یافته است (آل قاتانی و همکاران^۱، ۲۰۲۳؛ دریگا و همکاران، ۲۰۰۹) و زمینه را برای حرکت به سمت توسعه پایدار روستایی در سطح جهانی فراهم کرده است. این نوع از توسعه برای کشورهای در حال توسعه (چاترجی و همکاران^۲، ۲۰۲۲؛ باشل^۳، ۲۰۰۸) از جمله ایران بسیار مهم است؛ زیرا توسعه کارآفرینی زنان، به خصوص در مناطق روستایی نیز بخشی از «تلاش‌های ملی برای کاهش فقر در کشورهای در حال توسعه در رابطه با تحقق اهداف توسعه هزاره سوم» است (تامبونام^۴، ۲۰۰۹). زنان روستایی از کل کار مربوط به تولید کشاورزی در سراسر جهان به طور متوسط حدود ۴۰٪ و در ایران حدود ۲۰٪ را به خود اختصاص می‌دهند (بانک جهانی^۵، ۲۰۲۳)، هرچند به‌طور ویژه‌تر برآوردها در برخی از فصل‌ها و محصولات پُر زحمت در ایران نشان می‌دهند که زنان روستایی بیش از ۷۰٪ از برخی از تولیدات همچون برنج و ۹۰٪ محصولات تابستانه را تأمین می‌کنند (حسینی و مکی، ۲۰۱۱).

با این وجود متأسفانه آمارها نشان‌دهنده آن است که هنوز در ایران، به دلایل گوناگون فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تعادل مطلوب و قابل قبولی در امر مشارکت عادلانه زنان در جهت توسعه پایدار روستایی برقرار نشده است. آمارهای برنامه توسعه سازمان ملل^۶ (۲۰۲۲) گویای آن است که مشارکت زنان ایران در سال ۲۰۲۱ از مجموع ۱۷۰ کشور عضو در رتبه ۱۲۰ است، بنابراین یکی از بزرگ‌ترین مسائل که نتیجه مطالعات متعدد در کشورهای مختلف در حال توسعه است، پایین بودن نرخ کارآفرینی زنان در مقایسه با مردان (دفتر دیده‌بان جهانی کارآفرینی^۷، ۲۰۲۲) به‌ویژه در مناطق روستایی ایران است.

استان کرمانشاه با وجود دارا بودن پتانسیل‌های بالای کارآفرینی به‌خصوص در نواحی روستایی از نرخ بالای بیکاری (مرکز آمار ایران^۸، ۱۴۰۲) در بین سایر استان‌ها رنج می‌برد؛ اما آنچه در این استان مشهودتر است، بالاتر بودن نرخ بیکاری زنان نسبت به مردان است. این در حالی است که با توجه به قابلیت‌هایی که در مناطق روستایی استان وجود دارد، سرشار از فرصت‌ها و پتانسیل‌های کارآفرینی روستایی (علی‌بیگی و تقی‌بیگی، ۱۴۰۲) به‌خصوص برای زنان است. از طرفی بر اساس بررسی‌های صورت گرفته پژوهش‌های اندکی موانع فراروی توسعه کارآفرینی زنان را در مناطق روستایی به‌خصوص در سطح استان کرمانشاه و آن‌هم با رویکرد کیفی بررسی کرده‌اند، لذا با عنایت به موارد مذکور، هدف کلی از انجام این پژوهش، تحلیل موانع فراروی توسعه کارآفرینی زنان روستایی در استان کرمانشاه است.

مروری بر ادبیات موضوع

کارآفرینی روستایی و نقش آن در توسعه روستایی

بسیاری از محققین بر این باورند که کارآفرینی روستایی رویکردی نوین برای توانمندسازی و ارتقاء ظرفیت‌های روستاییان و وسیله‌ای برای دستیابی به توسعه پایدار روستایی (شعبان^۹، ۲۰۲۲؛ رائوس-کاروندو و همکاران^{۱۰}،

1. Al-Qahtani et al.
2. Chatterjee et al.
3. Bushell
4. Tambunan
5. World Bank
6. United Nations Development Program (UNDP)
7. Global Entrepreneurship Monitor (GEM)
8. Statistical Center of Iran
9. Shaaban
10. Ríos-Carmenado et al.

۲۰۱۶)، ابزاری مهم در جهت رشد و توسعه شغل‌ها و فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی و وسیله‌ای مهم برای بهبود معیشت روستائیان (سواری و همکاران^۱، ۲۰۲۳؛ نامینز و ژانگ^۲، ۲۰۱۸؛ رشیدپور^۳، ۲۰۱۲) است؛ بنابراین توسعه کارآفرینی روستایی و رفع موانع پیش روی آن، یکی از ابزارهای ضروری برای دستیابی به توسعه روستایی متوازن و پایدار است (سواری و همکاران، ۲۰۲۳؛ دریگا و همکاران، ۲۰۰۹؛ لاپریاندیس، ۲۰۰۶). مک و مارکلی (۲۰۰۶) استدلال می‌کنند که توسعه مبتنی بر کارآفرینی، می‌تواند نقش مهمی در احیای مناطق روستایی از طریق نقش مهم آن در تحریک توسعه انسانی، سرزندگی روستایی، توسعه کارآفرینی مدنی و اولویت‌های سیاست اقتصادی توسعه داشته باشد. امروزه در کشورهای در حال توسعه، کارآفرینی روستایی حدود ۲۵٪ از اشتغال کامل روستایی و ۴۰٪ درآمد روستایی را تشکیل می‌دهد (انگوبین و همکاران^۴، ۲۰۱۴). بدین ترتیب، کارآفرینی روستایی نقش مهمی در توسعه اقتصادی روستاها و در نهایت توسعه ملی به خصوص در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران را دارا است.

زنان کارآفرین روستایی و موانع پیش روی آنان

زنان کارآفرین روستایی آن دسته از گروه جامعه روستایی هستند که ایده‌های تجاری را ایجاد و سازمان‌دهی و در نهایت بهترین‌ها را انتخاب می‌کنند (راتنا و همکاران^۵، ۲۰۱۶). به‌طور طبیعی زنان کارآفرین روستایی به‌عنوان یک کاتالیزور مثبت برای رشد و توسعه اقتصاد روستایی عمل می‌کنند و نقش مهمی در توسعه اقتصادی جامعه روستایی و در نتیجه توسعه اقتصاد ملی به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه دارند (کلی و همکاران^۶، ۲۰۲۲؛ باتناگار و همکاران^۷، ۲۰۱۷؛ گوتام و میشر^۸، ۲۰۱۶).

هرچند در سطح جهانی، منحنی کارآفرینی زنان در حال افزایش است، اما هنوز تعداد کارآفرینان زن کمتری وجود دارد. زنان حدود یک سوم همه افراد درگیر در فعالیت‌های کارآفرینی را تشکیل می‌دهند، واقعیت این است که در مناطق روستایی، زنان با موانع بیشتری مواجه می‌شوند که شانس موفقیت و فرصت‌های آن‌ها را محدود می‌کند (براندث^۹، ۲۰۰۲). کارآفرینی زنان همواره به نفع جوامع روستایی و در راستای توسعه روستایی بوده است (انگوبین و همکاران، ۲۰۱۴)، لذا کارآفرینی زنان روستایی یک ابزار بالقوه برای کاهش مشکلات نسبی زنان در مناطق روستایی از طریق توسعه اقتصادی زنان روستایی است (رامان و همکاران^{۱۰}، ۲۰۲۲؛ دریگا و همکاران، ۲۰۰۹؛ آنتوپولو^{۱۱}، ۲۰۰۹).

پیشینه پژوهش

بر اساس بررسی‌های صورت گرفته و بر پایه نتایج پژوهش‌های انجام‌شده چنین می‌توان گفت که عوامل متعددی می‌توانند به‌عنوان مانع توسعه کارآفرینی زنان عمل کنند که در ادامه به مهم‌ترین آنها پرداخته شده است؛ عواملی مانند ضعف فرهنگی (توماس و مولر^{۱۲}، ۲۰۰۰)، فقدان شبکه‌ها و انجمن‌ها (راسماسن و

1. Savari et al.
2. Naminse & Zhuang
3. Rashidpour
4. Nguyen et al.
5. Ratna et al.
6. Kille et al.
7. Bhatnagar et al.
8. Gautam & Mishra
9. Brandth
10. Raman et al.
11. Anthopoulou
12. Thomas & Mueller

سورحیم^۱، ۲۰۰۶)، کمبود منابع و امکانات (لیچتنتستین و براش^۲، ۲۰۰۱) و حمایت‌های دولتی (قوز و همکاران^۳، ۲۰۱۷).

آگاروان و جوهان^۴ (۲۰۲۱) در پژوهشی که با استفاده از روش مرور نظام‌مند به بررسی کارآفرینی زنان روستایی پرداخته بودند نشان دادند که مهم‌ترین موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی شامل عدم توسعه آموزش کارآفرینی، کمبود اعتبارات خرد و عدم دسترسی به فناوری اطلاعات می‌باشند. راتنا و همکاران (۲۰۱۶)، مهم‌ترین موانع فراروی کارآفرینی زنان روستایی را شامل شرایط نامساعد بازار، قوانین سخت‌گیرانه، عدم آگاهی از نوآوری‌های جدید، عدم اعتماد به نفس و عدم دسترسی به اطلاعات می‌دانند. گاتمن و میشر (۲۰۱۶)، مهم‌ترین موانع کارآفرینی زنان روستایی را شامل فقدان آموزش، نبود تعادل بین وظایف خانوادگی و شغلی، جامعه مردسالار روستائیان، مشکلات مالی، پایین بودن سطح ریسک‌پذیری، فقدان مهارت‌های کارآفرینی، مهارت‌های مدیریتی محدود، عدم آگاهی فنی، دشواری پیدا کردن مواد اولیه، موانع فرهنگی-اجتماعی، نگرش‌های اجتماعی ناصحیح و عدم وجود انگیزه می‌دانند. نتایج پژوهش موحدی و یعقوبی فرانی (۲۰۱۲)، با هدف تجزیه و تحلیل موانع و محدودیت‌های توسعه کارآفرینی زنان روستایی در ایران نشان دادند که موانع و محدودیت‌های کارآفرینی زنان روستایی به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از: شرایط و ویژگی‌های فردی، شخصیتی و رفتاری زنان روستایی؛ شرایط و ویژگی‌های خانوادگی؛ دانش و مهارت زنان روستایی (آموزش، تجربه، ارتباطات)؛ شرایط فرهنگی، اجتماعی (حاکم بر جامعه روستایی)؛ دسترسی به امکانات و خدمات مورد نیاز زنان روستایی (در فرایند راه‌اندازی، اداره و توسعه کسب و کار)؛ عوامل قانونی و حقوقی؛ عوامل مالی و اقتصادی؛ عوامل نهادی و سازمانی و شرایط جغرافیایی و عوامل محیطی (محیط روستایی).

چیستک^۵ (۲۰۱۰)، مهم‌ترین مانع را مانع فرهنگی، برای کارآفرینی زنان روستایی بیان می‌کند. خسروی‌پور و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش خود مهم‌ترین موانع کارآفرینی زنان روستایی را به ترتیب شامل عوامل زمینه‌ای، عوامل حمایتی، عوامل دولتی، عوامل شغلی، عوامل شخصیتی، عوامل جنسیتی و عوامل آموزشی بیان کردند. صابر (۱۳۹۲) در تحقیق خود، موانع زیر را برای کارآفرینی زنان شناسایی کرد: جامعه پدرسالارانه، اعتماد به نفس پایین، فقدان تشویق خانوادگی، عدم انگیزه، نگرش محافظه‌کارانه نسبت به زنان، مقاومت در برابر تغییر، محدودیت سرمایه‌گذاری اقتصادی، عدم توانایی زنان برای تأمین وام برای شروع کارآفرینی (به‌ویژه در روستاها)، نگرش منفی بانک‌ها و مؤسسات مالی به سمت زنان، عدم تجربه کسب و کار در زنان، اعتقادات سنتی در مورد زنان در خارج از منزل و تبعیض خانواده. مکللی (۲۰۰۳) در بررسی‌های خود در عمان نشان داد که یکی از مشکلات اصلی برای توسعه کارآفرینی زنان روستایی، محدودیت‌های آموزشی است.

بر اساس مطالعات بررسی شده چنین می‌توان گفت که تا کنون پژوهشی با رویکرد کیفی و با روش نظریه بنیانی به واکاوی موانع فراروی کارآفرینی زنان روستایی استان کرمانشاه نپرداخته است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر رویکرد، کیفی؛ از لحاظ هدف، کاربردی و با روش نظریه بنیانی به روش استراوس^۶ انجام

1. Rasmussen & Sorheim
2. Lichtenstein & Brush
3. Ghouse et al.
4. Aggarwal & Johal
5. Chistek
6. Straussian Grounded Theory (SGT)

گرفت. نظریه بنیانی یک روش برای استخراج مفاهیم^۱ از دل داده‌ها و سپس ترکیب آن‌ها است (گلیزر و اشتروتوس^۲، ۱۹۶۷). زمانی که هیچ فرضیه‌ی روشنی وجود ندارد و یا تا کنون تحقیقی در زمینه‌ای صورت نگرفته و یا تحقیقات محدودی صورت گرفته باشد، نظریه بنیانی متناسب‌ترین است (جووانوویک و همکاران^۳، ۲۰۱۷). با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند^۴ و نظری^۵، هجده نفر از زنان کارآفرین روستایی در استان کرمانشاه که در حال حاضر (سال انجام تحقیق: ۱۴۰۰) در روستاهای استان کرمانشاه فعالیت دارند، انتخاب شدند. اتمام نمونه‌گیری زمانی رخ داد که از نمونه‌های جدید اطلاعات جدیدی به دست نمی‌آمد و اشباع داده‌ها^۶ صورت گرفته بود. در این مطالعه، از مصاحبه عمیق انفرادی^۷ و یادداشت‌برداری^۸ به منظور جمع‌آوری داده‌های اولیه استفاده شد و برای تمرکز بیشتر، با رضایت شرکت‌کنندگان، از ضبط صوت استفاده گردید. هر مصاحبه به‌طور میانگین حدود ۳۰ تا ۴۵ دقیقه به طول انجامید. داده‌ها به‌طور هم‌زمان جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل شدند. در فرایند تحلیل داده‌ها از تحلیل خط‌به‌خط^۹ برای کدگذاری باز^{۱۰} استفاده شد و همراه با توسعه مفاهیم و مقوله‌ها، از کدگذاری محوری^{۱۱} و کدگذاری انتخابی^{۱۲} استفاده شد. قابلیت اعتماد^{۱۳} یافته‌ها از راه: ۱. مشارکت طولانی^{۱۴} و مشاهده مداوم در میدان پژوهش؛ ۲. مثلث‌سازی^{۱۵}؛ ۳. بررسی همکاران^{۱۶} و ۴. تأیید مشارکت‌کنندگان^{۱۷} تأیید شد.

یافته‌ها

کدگذاری باز

در پژوهش حاضر برای انجام کدگذاری باز، داده‌ها به‌صورت خط به خط بازنگری شده و پس از تشخیص فرایندها و نکات اصلی، به هر جمله کد داده شده است. در این مرحله ۳۶ مفهوم استخراج گردید که در جدول ۱ قابل مشاهده است.

کدگذاری محوری

در کدگذاری محوری، طبقات شکل گرفته و مفاهیم با توجه به قرابت معنایی در یک طبقه قرار می‌گیرند. در این مرحله، پایه‌های اولیه مدل پارادایمیک پژوهش که نشان‌دهنده جریان فرایندها و فعالیت‌هایی است که در بستر مطالعه اتفاق افتاده است، شکل گرفت. این مدل ۵ قسمت دارد؛ شرایط علی^{۱۸}، شرایط زمینه‌ای^{۱۹}،

1. Concepts
2. Glaser & Strauss
3. Jovanovic et al.
4. Purposeful sampling
5. Theoretical sampling
6. Data saturation
7. Individual depth interviews
8. Note-taking
9. Line-by-Line
10. Open coding
11. Axial coding
12. Selective coding
13. Credibility or Trustworthiness
14. Prolonged Engagement
15. Triangulation
16. Peer Review
17. Member Checking
18. Casual Condition
19. Context Condition

شرایط مداخله‌گر^۱، فرایندها و تعاملات^۲ (راهبردها) و پیامدها^۳. در جدول ۱ طبقات محوری و مفاهیم، نمایش داده شده است.

جدول ۱. مفاهیم و طبقات ایجادشده (نتایج دو مرحله کدگذاری باز و محوری)

طبقات محوری	طبقه	مفاهیم
شرایط علی	موانع اقتصادی	- هزینه زیاد خرید تجهیزات و مواد اولیه
		- نداشتن سرمایه و پس‌انداز کافی
		- عدم توانایی ریسک به‌واسطه عدم پشتوانه مالی
		- بالا بودن نرخ بهره‌های بانکی
		- پایین بودن قیمت فروش نسبت به هزینه‌های اولیه
		- عدم دسترسی به بازار فروش
		- دسترسی نداشتن به منابع اولیه
		- عدم حمایت مالی از جانب خانواده
		- بازاریابی نامناسب برای محصولات تولید شده
		- عدم حمایت مالی متصدیان امور روستایی
موانع اجتماعی		- نبود بازار محلی یا ظرفیت پایین بازارهای محلی
		- نبود خرید تضمینی محصولات تولید شده
		- عدم آگاهی از تسهیلات مربوط به زنان کارآفرین
		- وظایف زیاد زنان در خانواده‌های روستایی
		- ناامنی‌های اجتماعی برای حضور زنان
		- عدم حمایت عاطفی خانواده
		- عدم توانایی پیگیری امور اداری (پیگیری وام‌ها)
		- عدم اعتماد جامعه به زنان در راه‌اندازی کسب و کار
		- عدم آگاهی لازم نسبت به شروع یک کسب و کار
		- عدم آگاهی لازم و به‌موقع از نیاز بازار
شرایط زمینه‌ای	موانع ارتباطی - اطلاعاتی	- عدم آگاهی جهت تشکیل گروه و شروع کار تیمی
		- عدم وجود یک رهبری خوب جهت راهنمایی
		- ناآگاهی نسبت به انجمن‌های حامی زنان کارآفرین
		- سیستم حمل‌ونقل نامناسب
		- عدم دسترسی به اطلاعات و فناوری‌های جدید
		- انزوای روستا و دور بودن از مرکز استان
		- دسترسی نداشتن به دانش فنی
		- ضعف در برقراری ارتباط با کارآفرینان موفق
		- دسترسی پایین به مشاوران فنی روستایی
		موانع آموزشی
- نداشتن مدیریت کافی در ایجاد کسب و کارها		
- عدم مدیریت و پیگیری مناسب از سوی زنان		
- کمبود دانش فنی و مهارت تخصص در بین زنان		
- پایین بودن سطح تحصیلات و سواد زنان روستایی		
- مهارت پایین در استفاده از ابزارآلات و فناوری نوین - نبود یا نامنظم بودن برگزاری کلاس‌های مهارتی		
- عدم وجود کلاس‌های تخصصی		
- نبود آموزش‌های مناسب برای شروع کسب و کار		

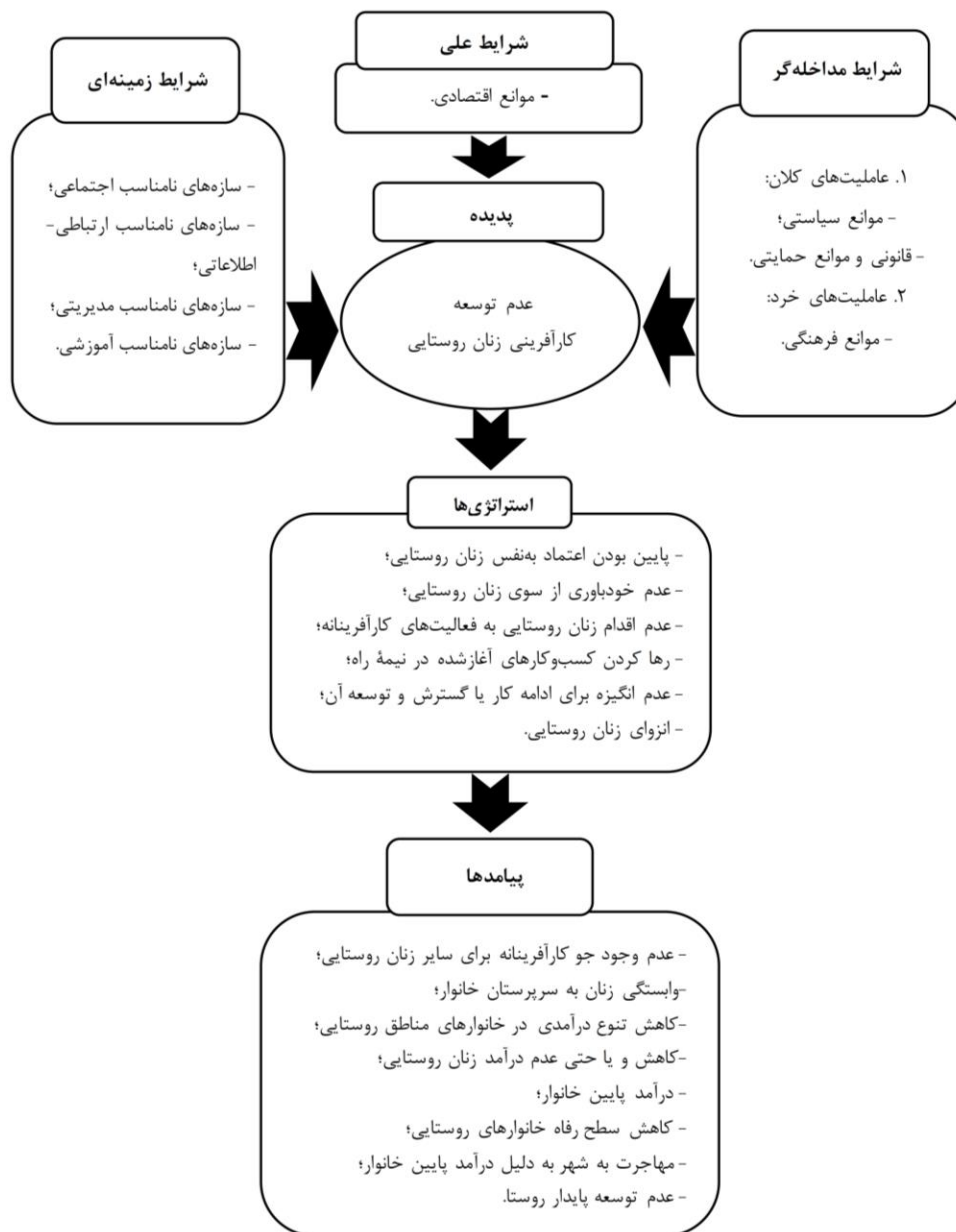
1. Intervening Condition
2. Actions & Interaction
3. Consequences

ادامه جدول ۱. مفاهیم و طبقات ایجادشده (نتایج دو مرحله کدگذاری باز و محوری) (منبع: یافته‌های پژوهش)

طبقات محوری	طبقه	مفاهیم
	مواع سیاسی-قانونی	- عدم توجه سیاست‌گذاران کلان به زنان روستایی - ارجاع ارباب‌رجوعان به بخش‌های مختلف - قوانین دست‌وپا گیر برای ارائه وام به زنان
	مواع حمایتی	- عدم تشویق و ترغیب زنان روستایی به روی آوردن به فعالیت‌های کارآفرینانه از سوی نهادهای متولی - همکاری ضعیف نهادهای مرتبط در زمینه کارآفرینی
شرایط مداخله‌گر	مواع فرهنگی	- فرهنگ مردسالارانه در جامعه روستایی - همکاری اندک مدیران روستایی با زنان - تعصبات و تفکرات سنتی حاکم بر جامعه روستایی - وابستگی زنان به نظرات همسر و سرپرست خانوار - عدم حمایت عاطفی خانواده‌ها
	اقدامات اتخاذ شده	- عدم باور جامعه به توان زنان در زمینه کارآفرینی - عدم همکاری مردان با زنان روستایی - عدم تمایل خانوار برای کار کردن زنان روستایی - رفتارهای منفی برخی از روستائیان
راهبردها		- پایین بودن اعتماد به نفس زنان روستایی - عدم خودباوری از سوی زنان روستایی - عدم اقدام زنان روستایی به فعالیت‌های کارآفرینانه - رها کردن کسب و کارهای آغازشده در نیمه راه - عدم انگیزه برای ادامه کار یا گسترش و توسعه آن - انزوای زنان روستایی
پیامدها	پیامدهای حاصل از اقدامات	- عدم وجود جو کارآفرینانه برای سایر زنان روستایی - وابستگی زنان به سرپرستان خانوار - کاهش تنوع درآمدی در خانوارهای مناطق روستایی - کاهش و یا حتی عدم درآمد زنان روستایی - درآمد پایین خانوار - کاهش سطح رفاه خانوارهای روستایی - مهاجرت به شهر به دلیل درآمد پایین خانوار - عدم توسعه پایدار روستا

کدگذاری انتخابی و مدل پارادایمیک پژوهشی

در مرحله کدگذاری انتخابی دسته‌بندی نهایی طبقه‌ها در اطراف طبقه اصلی و نهایی شدن پدیده مرکزی انجام می‌گیرد. شکل ۱، مدل پارادایمیک پژوهش را نشان می‌دهد.



شکل ۱. مدل پارادایمیک پدیده عدم توسعه کارآفرینی زنان در مناطق روستایی (منبع: یافته‌های پژوهش)

بررسی مدل پارادایمیک پژوهش

شرایط علی

نتایج حاصل از پژوهش نشان داد نداشتن سرمایه و پس‌انداز کافی، عدم توانایی ریسک‌پذیری به‌واسطه عدم پشتوانه مالی، دسترسی نداشتن به منابع اولیه، نبود بازار محلی یا ظرفیت پایین بازارهای محلی و ... علل مهم عدم توسعه کارآفرینی زنان در مناطق روستایی بود. در این زمینه پاسخ‌دهنده‌ای اذعان داشت: «هیچ نهاد و سازمانی نیست که در زمینه مالی از ما حمایت کند. خانواده هم از نظر مالی نمی‌تونه ما را حمایت کنه ...» (مصاحبه‌شونده شماره ۴، ۱۴۰۰).

شرایط زمینه‌ای

در جامعه مورد مطالعه برخی شرایط بسترساز وجود داشت که در واقع زمینه را برای عدم توسعه کارآفرینی

محیا می‌کرد. این قبیل از شرایط، به چهار دسته تقسیم شدند که شامل موانع آموزشی، مدیریتی، اجتماعی و ارتباطی - اطلاعاتی به شرح ذیل هستند:

موانع آموزشی بسترساز

از دیدگاه زنان کارآفرین روستایی، نبود یا کمبود کلاس‌های آموزشی در زمینه‌های مختلف کارآفرینی، عدم وجود کلاس‌های تخصصی مربوط به کارآفرینی زنان و نبود آموزش‌های لازم قبل از شروع کسب و کار برای زنان روستایی از جمله زمینه‌های آموزشی بسترساز بود. در این زمینه یکی از مصاحبه‌شوندگان این‌گونه بیان داشت: «... ما حالا با مرکز رشد روانسر در ارتباطیم. اینا هیچ کلاسی برای تقویت مهارت‌های کارآفرینانه ما نمیذارن ... من برای آموزش باید برم کرمانشاه که راه دوره و نمی‌تونم ...» (مصاحبه‌شونده شماره ۳، ۱۴۰۰).

موانع مدیریتی بسترساز

مصاحبه‌شوندگان بر این باور بودند که مهارت‌های مدیریتی پایین آنان، زمینه را برای بروز پدیده فراهم کرده است. آنان به مواردی همچون «عدم شناسایی به‌موقع فرصت‌های محلی موجود برای ایجاد کار جدید» و ... را نام بردند.

موانع اجتماعی بسترساز

زنان کارآفرین روستایی بیان کردند که شرایط اجتماعی حاکم بر جامعه روستا نیز زمینه را برای بروز پدیده مذکور فراهم نموده است. در این میان می‌توان به عواملی همچون وظایف زیاد زنان در خانواده‌های روستایی، عدم توانایی جهت پیگیری امور اداری مانند پیگیری بوروکراسی وام‌ها، عدم اعتماد جامعه به زنان در راه‌اندازی کسب و کار و ... اشاره نمود.

موانع ارتباطی - اطلاعاتی بسترساز

زنان کارآفرین روستایی به موانع ارتباطی - اطلاعاتی حاکم بر روستا نیز به‌عنوان محیا‌کنندگان شرایط برای بروز پدیده اشاره کردند که شامل سیستم حمل‌ونقل نامناسب، دور بودن از مرکز شهر، ضعف در برقراری ارتباط بین زنان کارآفرین و کارآفرینان موفق در سطح منطقه و ... هستند.

شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر در این پژوهش به دو دسته عاملیت‌های کلان و عاملیت‌های خرد به شرح ذیل تقسیم‌بندی شدند:

عاملیت‌های کلان

عاملیت‌های کلان، عاملیت‌های خارج از منطقه و فراگیر در سطح جامعه است که به دو بخش موانع قانونی - سیاسی و موانع حمایتی تقسیم می‌شوند.

موانع قانونی - سیاسی

از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان، می‌توان به دست‌وپا گیر بودن قوانین و ارجاعات مکرر ارباب رجوع به بخش‌های مختلف، وضع قوانین زیاد برای ارائه وام به زنان کارآفرین (ضامن و وثیقه) و ... اشاره نمود. صحبت‌های پاسخ‌دهنده (۲) نمونه‌ای از این مورد است که به‌خوبی این مفاهیم را انعکاس می‌دهد: «بعضی اداره‌ها همکاری نمی‌کنند ... من برای کشت زعفران خودم، برای گرفتن وام یک سال دویدم. تازه وقتی دیگه اعتبار تصویب

شد و به بانک معرفی شدم، موانع بانک شروع شد...» (پاسخ‌دهنده شماره ۲، ۱۴۰۰).

موانع حمایتی

در این مورد، زنان کارآفرین روستایی به عواملی همچون، عدم تشویق و ترغیب زنان روستایی به روی آوردن به فعالیت‌های کارآفرینانه از سوی نهادهای متولی، همکاری ضعیف نهادهای مرتبط در خصوص فراهم کردن بستر کارآفرینی از قبیل (جهاد کشاورزی، بخشداری، استانداری) و ... اشاره نمودند. صحبت‌های پاسخ‌دهنده (۸) تا حدودی این موارد را روشن ساخت: «... از وقتی که یادمه بین نهادهای مربوط به کارآفرینی همکاری نبوده ... هر کدوم ساز خودشونو زدن. جهاد کشاورزی یه چیز می‌گه، مرکز رشد یه چیز می‌گه و فرمانداری و ... یه چیز دیگه ...» (پاسخ‌دهنده شماره ۸، ۱۴۰۰).

عاملیت‌های خرد

افزون بر کنش‌گران و عاملیت‌های فرا منطقه‌ای که اشاره شد، عواملی دیگر در سطح خرد، بر راهبردهای کنش و واکنش تأثیر می‌گذارند که در این زمینه به موانع فرهنگی می‌توان اشاره کرد. در این مورد، مصاحبه‌شوندگان به عواملی همچون، فرهنگ مردسالارانه در جامعه روستایی، تعصبات و تفکرات سنتی حاکم بر جامعه روستایی، عدم تمایل خانوار برای کار کردن زنان روستایی و رفتارهای منفی برخی از روستاییان و ... اشاره نمودند: «کارآفرینی خودش سختی‌های زیادی داره. الان کسی تو روستا باشه و خانم هم باشه سختی چندبرابره. یه مشکل اینه که دید جامعه ما هنوز سنتیه و معتقدن که خانم نباید کار کنه ... حتی بعضیا از تحصیل محروم می‌مانن و اجازه ندارن تنهایی بیان شهر ...» (پاسخ‌دهنده شماره ۸، ۱۴۰۰).

پدیده

پدیده، همان مقوله یا طبقه اصلی است که ارتباط بین تمام طبقات را برقرار می‌کند. در این پژوهش «توسعه‌نیافتگی کارآفرینی زنان روستایی» به‌عنوان پدیده شناسایی شد.

راهبردها (اقدامات کنش / واکنش)

راهبردها، در واقع اقدامات جامعه هدف در برابر پدیده و مشکلاتی بود که بر سر راه آنان وجود داشت. مصاحبه‌شوندگان در این زمینه به مواردی همچون پایین آمدن اعتماد به نفس و دل‌سرد شدن، عدم خودباوری، رها کردن کار در نیمه راه و ... اشاره کردند.

پیامدها

پیامدها در واقع نتیجه اقدامات و کنش / واکنش‌های افراد مورد نظر می‌باشند. در این مورد نیز، پاسخ‌دهندگان به مواردی همچون وابستگی زنان به سرپرستان خانوار، ترک روستا و مهاجرت به شهر، عدم توسعه پایدار روستایی و ... اشاره نمودند.

بحث و نتیجه‌گیری

بدون شک می‌توان گفت که یکی از مهم‌ترین ملزومات توسعه روستایی، توجه به توسعه کارآفرینی زنان روستایی است. در این راستا به نظر می‌رسد اولین گام برای حرکت به سمت توسعه کارآفرینی زنان روستایی، شناسایی موانع آن و در نهایت، ارائه و بررسی راهکارها، برنامه‌ریزی برای رفع، تعدیل و یا حتی حذف این موانع است؛ بدون تردید هرگونه کوتاهی در این زمینه فرایند توسعه روستایی را به تأخیر می‌اندازد.

نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که علل اصلی بروز پدیده، موانع اقتصادی است این بخش از یافته‌ها با نتایج آگاروان و جوهان (۲۰۲۱)؛ رانتا و همکاران (۲۰۱۶)؛ گاتمن و میشرا (۲۰۱۶)؛ موحدی و یعقوبی فرانی (۲۰۱۲)؛ خسروی پور و همکاران (۱۳۹۸) و صابر (۱۳۹۲) همخوانی دارد. لذا برای رفع این مشکل لازم است تسهیلات ویژه به زنان کارآفرین روستایی تعلق گیرد به طوری که میزان کارمزد و سود بانکی حداقل باشد تا از این طریق زنان کارآفرین بتوانند ایده‌های خود را جامه عمل بپوشانند. طبق نتایج حاصل از پژوهش، علاوه بر موانع اقتصادی، موانع آموزشی، موانع اجتماعی و ارتباطی اهمیت بسزایی دارند. در این زمینه محققانی همچون آگاروان و جوهان (۲۰۲۱)؛ گاتمن و میشرا (۲۰۱۶)؛ موحدی و یعقوبی فرانی (۲۰۱۲)؛ خسروی پور و همکاران (۱۳۹۸) و صابر (۱۳۹۲) به موانع آموزشی و اجتماعی و محققانی دیگر از جمله رانتا و همکاران (۲۰۱۶) به موانع اجتماعی و ارتباطی تأکید نموده‌اند. در این زمینه می‌توان گفت، برگزاری کلاس‌های آموزشی و مهارت‌آموزی برای زنان روستایی و همچنین طراحی و برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های حرفه‌ای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت می‌تواند تا حدودی موانع موجود را به حداقل برساند؛ از طرفی اقداماتی در جهت آگاهی بخشی به زنان نسبت به حقوق فردی و اجتماعی خود و شناساندن سازمان‌های حمایت‌کننده از آنان، افزایش تعامل و ارتباط زنان کارآفرین با مراکز تحقیقات و کارآفرینی، دانشگاه‌ها و سایر سازمان‌های متولی امور اشتغال‌زایی و کارآفرینی می‌توانند مؤثر باشند.

همچنین نتایج نشان داد موانع قانونی - سیاسی، حمایتی و فرهنگی در ایجاد پدیده مورد بررسی نقش دارند. نتایج یافته‌های قوز و همکاران (۲۰۱۷)؛ رانتا و همکاران (۲۰۱۶)؛ موحدی و یعقوبی فرانی (۲۰۱۲) این یافته‌ها را تأیید می‌کند. همچنین گاتمن و میشرا (۲۰۱۶)، چیسستک (۲۰۱۰)، توماس و مولر (۲۰۰۰)؛ خسروی پور و همکاران (۱۳۹۸) و صابر (۱۳۹۲) در مطالعات خود به موانع فرهنگی اشاره نمودند. در این راستا، اقداماتی از قبیل کاهش حجم بوروکراسی اداری و رفع محدودیت‌ها و موانع جهت اقدام به اشتغال‌زایی، ایجاد نمایشگاه و فروشگاه عرضه محصولات محلی و صنایع دستی تولید شده، ایجاد تشکل‌های زنان روستایی و انجمن خوداشتغالی زنان لازم و ضروری است. همچنین با توجه به نقش و تأثیر شرایط فرهنگی در گرایش زنان روستایی به کارآفرینی، مقوله ترویج فرهنگ کارآفرینی به‌عنوان یک عامل مهم و زیربنایی در توسعه ظرفیت‌های کارآفرینانه در جوامع روستایی مد نظر قرار گیرد. در این راستا می‌توان به معرفی کارآفرینان شاخص و تقدیر شایسته از آن‌ها، شناساندن اهمیت و نقش کارآفرینان در اقتصاد جامعه (به‌ویژه جامعه روستایی)، ارزش‌گذاری به کارآفرینی زنان و معرفی زنان کارآفرین موفق به‌منظور افزایش خودباوری، اعتماد به‌نفس و انگیزه کارآفرینی در زنان روستایی به‌عنوان اقداماتی مؤثر اشاره کرد.

سیاسگزاری

تیم پژوهش بر خود لازم می‌داند از همکاری و مساعدت کلیه مشارکت‌کنندگان در طول پژوهش تشکر و قدردانی نمایند.

منابع

خسروی پور، بهمن؛ سلیمانی هارونی، خدیجه؛ آبی، نادیا (۱۳۹۸). موانع کارآفرینی زنان روستایی بخش مرکزی استان کرمانشاه. *فصلنامه تعاون و کشاورزی*، ۸ (۲۹)، ۱۳۳-۱۵۲. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.27835464.1398>.
8.29.6.3
زمانی مقدم، مسعود؛ افشانی، سیدعلیرضا (۱۴۰۰). توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در ایران: مروری نظام‌مند.

فصلنامه رفاه اجتماعی، ۲۱ (۸۰): ۴۵-۸۰. URL: <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-3465-fa.html>.
 شاهمرادی، مهنا؛ احسانی فر، تهمینه؛ محمدی الیاسی، قنبر (۱۴۰۱). توانمندسازی زنان روستایی از طریق آموزش کارآفرینی؛ یک مرور سیستماتیک. پژوهش‌های کارآفرینی و نوآوری، ۱ (۱)، ۱۱-۲۷.
 علی بیگی، امیرحسین؛ تقی بیگی، معصومه (۱۴۰۲). برنامه‌ریزی راهبردی توانمندسازی زنان روستایی استان کرمانشاه از طریق کارآفرینی: کاربرد تکنیک Meta-SWOT. پژوهش‌های روستائی، ۱۴ (۱)، ۹۰-۱۱۳. doi: 10.22059/jrur.2023.351332.1796

References

- Aggarwal, M., & Johal, R. K. (2021). Rural women entrepreneurship: a systematic literature review and beyond. *World Journal of Science, Technology and Sustainable Development*, 18 (4), 373-392. <https://doi.org/10.1108/WJSTSD-04-2021-0039>
- AkinbamiEmail, C. A. O., Olawoye, J. E., Adesina, F. A., & Nelson, V. (2019). Exploring potential climate-related entrepreneurship opportunities and challenges for rural Nigerian women. *Journal of Global Entrepreneurship Research*, 9 (19), 1-28.
- Alibaygi, A., & Taghibaygi, M. (2023). Strategic Planning to Empower Rural Women in Kermanshah Province through Entrepreneurship Application of Meta-SWOT Technique. *Journal of Rural Research*, 14 (1), 90-113. doi: 10.22059/jrur.2023.351332.1796 (in Persian).
- Al-Qahtani, M., Fekih Zguir, M., Al-Fagih, L., & Koç, M. (2022). Women Entrepreneurship for Sustainability: Investigations on Status, Challenges, Drivers, and Potentials in Qatar. *Sustainability*, 14 (7), 4091. <https://doi.org/10.3390/su14074091>
- Anthopoulou, T. (2009). Rural women in local agrofood production: between entrepreneurial initiatives and family strategies – a case study in Greece. *Journal of Rural Studies*, 26 (4), 394-403.
- Bhatnagar, A., Bhardwaj, B. R., & Mittal, V. (2017). Women Entrepreneurship: A Tool for Work Life Balance. *International Conference on Technology and Business Management*, April 10-12, 1-7. Dubai.
- Brandth, B. (2002). Gender identity in European family farming: a literature review. *Sociologia Ruralis*, 42 (3), 182-200.
- Bushell, B. (2008). Women entrepreneurs in Nepal: what prevents them from leading the sector?. *Gender and Development*, 16 (3), 549-564.
- Chacravarty, E. (2013). The rural women entrepreneurial edge. *Journal of Humanities and social science*, 10 (1), 33-36.
- Chatterjee, I., Shepherd, D. A., & Wincent, J. (2022) Women's entrepreneurship and well-being at the base of the pyramid. *Journal of Business Venturing*, 37 (4), 106222. <https://doi.org/10.1016/j.jbusvent.2022.106222>.
- Chistek, C. A. (2010). Culture as a barrier to rural women's entrepreneurship: Experience from Zimbabwe. *Gender & Development*, 8 (1), 71-77.
- Cruz, A. D., Hamilton, E., Campopiano, G., & Sarah, L. J. (2022). Women's entrepreneurial stewardship: The contribution of women to family business continuity in rural areas of Honduras. *Journal of Family Business Strategy*, 100505. <https://doi.org/10.1016/j.jfbs.2022.100505>.
- De Rosa, M., & McElwee, G. (2015). An empirical investigation of the role of rural development policies in stimulating rural entrepreneurship in the Lazio Region of Italy. *Society and Business Review*, 10 (1), 4-22.
- Driga, O., Lafuente, E., & Vaillant, Y. (2009). Reasons for the relatively lower entrepreneurial activity levels of rural women in Spain. *Sociologia Ruralis*, 49 (1), 70-96.
- Esengulova, N., Carella, M. M., & Lopolito, A. (2023). Stakeholder Empowerment in Sustainable Rural Development Partnerships: Two Case Studies from Italy. *Sustainability*, 15 (8), 6977. <https://doi.org/10.3390/su15086977>
- Franck, A. K. (2012). Factors motivating women's informal micro-entrepreneurship:

- experiences from Penang, Malaysia. *International Journal of Gender and Entrepreneurship*, 4 (1), 65-78.
- Franzke, S., Wu, J., Froese, F.J., & Zi, X. C. (2022). Female entrepreneurship in Asia: a critical review and future directions. *Asian Bus Manage*, 21 (1), 343-372. <https://doi.org/10.1057/s41291-022-00186-2>
- Gautam, K. G., & Mishra, K. (2016). Study on rural women entrepreneurship in India: Issues & Challenges. *International Journal of Applied Research*, 2 (2), 33-36.
- Ghouse, S., McElwee, G., Meaton, J., & Durrah, O. (2017). Barriers to rural women entrepreneurs in Oman. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, 23 (6), 998-1016. <https://doi.org/10.1108/IJEER-02-2017-0070>
- Glaser, B. G. & Strauss, A. L. (1967). *The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*. Aldine Publications Company, New York.
- Global Entrepreneurship Monitor (2022). *Global entrepreneurship monitor releases new research highlighting women's entrepreneurship trends across the globe*. Available at: <https://www.gemconsortium.org/reports/womens-entrepreneurship>.
- Henderson, J. (2002). Building the rural economy with high-growth entrepreneurs. *Economic Review – Federal Reserve Bank of Kansas City*, 87 (3), 45-75.
- Hosseini, J. F., & McElwee, G. (2011). Improving the entrepreneurship potential of rural women entrepreneurs in Northern Iran. *Entrepreneurship & Business*, 12 (1), 15- 27.
- Iakovidou, O., Koutsou, S., & Partalidou, M. (2009). Women entrepreneurs in the Greek countryside: a typology according to motives and business characteristics. *Journal of Developmental Entrepreneurship*, 14 (2), 1- 15.
- Jovanovic, M., Mas, A., Mesquida, A. L., & Lalic, B. (2017). Transition of organizational roles in Agile Transformation Process: A Grounded Theory approach. *The Journal of Systems & Software*, 133 (1), 174-194.
- Khosravipour, B., Soleimani Harooni, K., & Ani, N. (2019). Obstacles Hampering Entrepreneurship of Rural Women in the Central Region of Kermanshah Province. *Co-Operation and Agriculture*, 8 (29), 133-152. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.27835464.1398.8.29.6.3> (in Persian).
- Kille, T., Wiesner, R., Lee, S.-Y., Johnson Morgan, M., Summers, J., & Davoodian, D. (2022). Capital Factors Influencing Rural, Regional and Remote Women's Entrepreneurship Development: An Australian Perspective. *Sustainability*, 14 (24), 16442. <https://doi.org/10.3390/su142416442>
- Labrianidis, L. (2006). Fostering entrepreneurship as a means to overcome barriers to development of rural peripheral areas in Europe. *European Planning Studies*, 14 (1), 3-8.
- Lichtenstein, B., & Brush, C. (2001). How do 'resource bundles' develop and change in new ventures? A dynamic model and longitudinal exploration. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 25 (3), 37-58.
- Lourenço, F., Sappleton, N., Dardaine-Edwards, A., McElwee, G., Cheng, R., Taylor, D. W., & Taylor, A. G. (2014). Experience of entrepreneurial training for female farmers to stimulate entrepreneurship in Uganda. *Gender in Management: An International Journal*, 29 (7), 382-401.
- Macke, D., & Markeley, D. (2006). Entrepreneurship and rural America, *Rural Research Report*, 17 (4), 1-6.
- Mathew, V. (2010). Women entrepreneurship in Middle East: Understanding barriers and use of ICT for entrepreneurship development. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 6 (2), 163-181.
- McElwee, G. (2003). Women entrepreneurs in Oman: some barriers to success. *Career Development International*, 8 (6), 339-346.
- Movahedi, R., & Yaghoubi-Farani, A. (2012). Analysis of the barriers and limitation for the development of rural women's entrepreneurship. *Journal of Entrepreneurship and Small Business*, 15 (4), 469-487.
- Mozumdar, L., Materia, V. C., Hagelaar, G., Islam, M. A., Velde, G. V. D., & Omta, S. W. F.

- (2022). Contextuality of entrepreneurial orientation and business performance: The case of women entrepreneurs in Bangladesh. *Journal of Entrepreneurship and Innovation in Emerging Economies*, 8 (1), 94-120.
- Naminse, E. Y., & Zhuang, J. (2018). Does farmer entrepreneurship alleviate rural poverty in China? Evidence from Guangxi Province. *PLOS ONE*, 13 (3), 1-18.
- Nguyen, C., Frederick, H., & Nguyen, H. (2014). Female entrepreneurship in rural Vietnam: an exploratory study. *International Journal of Gender and Entrepreneurship*, 6 (1), 50-67.
- Raman, R., Subramaniam, N., Nair, V. K., Shivdas, A., Achuthan, K., & Nedungadi, P. (2022). Women Entrepreneurship and Sustainable Development: Bibliometric Analysis and Emerging Research Trends. *Sustainability*, 14 (15), 9160. <https://doi.org/10.3390/su14159160>
- Rashidpour, L. (2012). A study on the role of non-farm activities on rural sustainable development in West Azarbaijan Province of Iran. *African journal of agricultural research*, 7 (3), 475-481.
- Rasmussen, E., & Sorheim, R. (2006). Action-based entrepreneurship education. *Technovation*, 26 (2), 185-194.
- Rastogi, M., Baral, R., & Banu, J. (2022). What does it take to be a woman entrepreneur? Explorations from India. *Industrial and Commercial Training*, 54 (2), 333-356. <https://doi.org/10.1108/ICT-03-2021-0022>
- Rathna, Ch., Badrinath, V., & Siva Sundaram Anushan, S. C. (2016). A Study on Entrepreneurial Motivation and Challenges faced by Women Entrepreneurs in Thanjavur District. *Indian Journal of Science and Technology*, 9 (27), 1-10.
- Ríos-Carmenado, I., Ortuno, M., & Rivera, M. D. G. (2016). Private-Public Partnership as a Tool to Promote Entrepreneurship for Sustainable Development: WWP Torrearte Experience. *Sustainability*, 8 (199), 1-19.
- Saber, F. (2015). *Ways to Develop Women's Entrepreneurship in Iran: Women's Empowerment Strategies for Economic, Social and Political Equality in Iran, Fourth Edition*. Tehran: Publications of Enlightenment and Women's Studies (in Persian).
- Saghaian, S., Mohammadi, H., & Mohammadi, M. (2022). Factors Affecting Success of Entrepreneurship in Agribusinesses: Evidence from the City of Mashhad, Iran. *Sustainability*, 14 (13), 1- 12. <https://doi.org/10.3390/su14137700>
- Savari, M., Eskandari Damaneh, H., & Eskandari Damaneh, H. (2023). Effective factors to increase rural households' resilience under drought conditions in Iran, *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 90 (1), 103644, <https://doi.org/10.1016/j.ijdr.2023.103644>.
- Schwandt, T. A., Lincoln, Y. S., & Guba. E. G. (2007). Judging interpretations: but is it rigorous? Trustworthiness and authenticity in naturalistic evaluation. *New Directions for Evaluation banner*, 1 (114), 11-25.
- Shaaban, S. (2022). Can village savings and loans association (VSLA) approach achieve/promote rural sustainable development in the Egyptian community?. *Journal of Chinese Economic and Foreign Trade Studies*, 15 (3), 332-349. <https://doi.org/10.1108/JCEFTS-08-2021-0047>
- Shahmoradi, M., Ehsanifar, T., & Mohammadi Elyasi, G. (2023). Empowering rural women through entrepreneurship education; A systematic review. *Entrepreneurship and Innovation Research*, 1 (1), 11-27 (in Persian).
- Statistical Center of Iran (2023). *Unemployment statistics of Kermanshah province*. Retrieved from <https://www.amar.org.ir> (in Persian).
- Sultana, B., Zaaba, Z., & Umemoto, K. (2010). Women's Empowerment through the Development of Micro Entrepreneurship in Rural Bangladesh. *Social Sciences*, 5 (1), 1-9.
- Tambunan, T. (2009). Women entrepreneurship in Asian developing countries: Their development and main constraints. *Journal of Development and Agricultural Economics*, 1 (2), 27-40.
- Thomas, A. S. & Mueller, S. L. (2000). A case for comparative entrepreneurship: assessing the

- relevance of culture. *Journal of International Business Studies*, 31 (2), 287–301.
- Torri, M. C. & Martinez, A. (2014). Women's empowerment and micro-entrepreneurship in India: Constructing a new development paradigm?. *Progress in Development Studies*, 14 (1), 31-48.
- United Nations Development Programme (2014). *Human Development Report 2014*. Retrieved on: <http://hdr.undp.org/>.
- Vogel, W., Hwang, C. D., & Hwang, S. (2022). Gender and Sanitation: Women's Experiences in Rural Regions and Urban Slums in India. *Societies*, 12 (1), 18. <https://doi.org/10.3390/soc12010018>
- World Bank Group (2023). *Labor force, female (% of total labor force)*, Available on: <https://data.worldbank.org/indicator/SL.TLF.TOTL.FE.ZS>
- Zamanimoghadam, M., & Afshani, S. A. (2021). Empowerment of Female Heads of Households in Iran: A Systematic Review. *Social Welfare Quarterly*. 21 (80), 45-80. URL: <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-3465-fa.html> (in Persian).
- Zhang, Y., Yang, C., Yan, S., Wang, W., & Xue, Y. (2023). Alleviating Relative Poverty in Rural China through a Diffusion Schema of Returning Farmer Entrepreneurship. *Sustainability*, 15 (2), 1380. <https://doi.org/10.3390/su15021380>